

## البرت هوتس هلندی دوستدار فرهنگ ایران

تابستان گذشته روزی در ساختمان «انجمن پادشاهی جغرافیایی لندن»<sup>۱</sup> که در قرن نوزدهم در جنوب هاید پارک بنا شده است، مشغول مطالعه بعضی نقشه های قدیمی ایران بودم. کتابخانه این انجمن بیش از یک میلیون نقشه و اطلس جغرافیایی دارد و شاید حاوی غنی ترین مجموعه نقشه های قدیمی ایران از چاپی و دست نگار باشد. کتابدار اطاق نقشه<sup>۲</sup> آقای فرانسیس هربرت (Francis Herbert) که مرد مطلعی ست با حافظه ای بسیار قوی، نزدیک آمد و پرسید که آیا می دانی ما مجموعه کوچک جداگانه ای نیز از نقشه های قدیمی ایران داریم که شخصی هلندی به نام البرت هوتس (Albert Hotz) - تلفظ انگلیسی هاتز - در سال ۱۹۲۵<sup>۳</sup> به این کتابخانه هدیه کرده است. جواب معلوم بود: «نمی دانستم ولی ما یلیم این مجموعه را بینم». او بعد از چند دقیقه دو پوشه بزرگ حاوی ۷۳ نقشه قدیمی ایران را روی میز گذارد. ساعاتی مشغول تماشا و بررسی این نقشه ها شدم. نمونه هایی از نقشه های کمیاب بطلمیوسی تا نقشه های اواخر قرن نوزدهم و حتی یک نقشه دست نگار در این دو پوشه قرار داشت. طبعاً اولین سؤال این بود که هوتس که بوده و رابطه او با ایران چه بوده است. در این شانزده سالی که به یاد وطن با نقشه های قدیمی ایران سرو کار دارم، هرگز به نام یک نفر ایرانی یا فرنگی برنخورده ام که در قرن نوزدهم مجموعه قابل ذکری از نقشه های قدیمی ایران گرد آورده باشد. در کتابخانه همان انجمن کتابی یافتم نوشته خانم ترزیا انگل برتس (Theresia Angelberts) درباره هوتس به زبان هلندی که بنده کمتر آشنا هستم. راستی مسأله زبان در اروپا برخلاف امریکا چه مشکل بزرگی ست. در

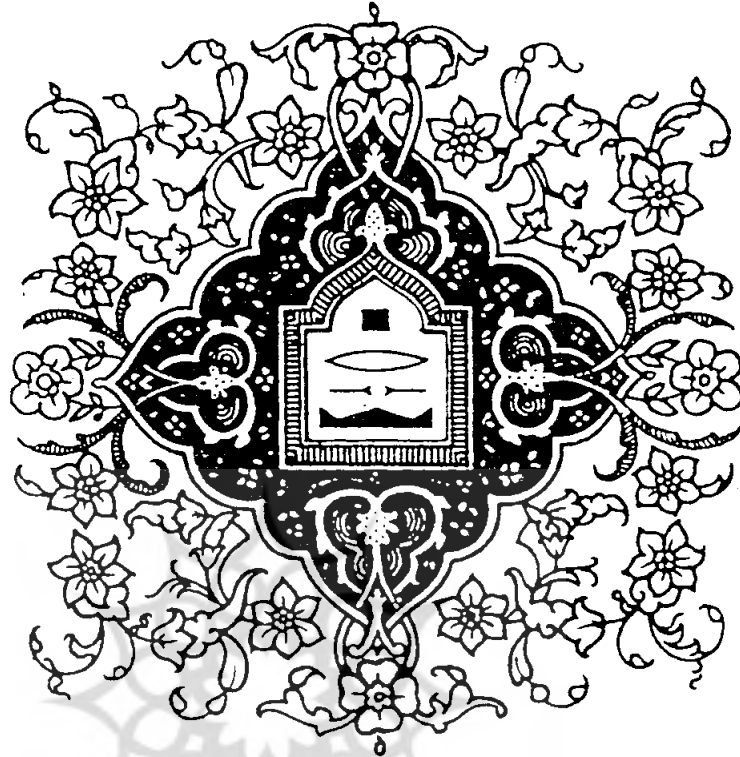
پانزده کشور عضو اتحادیه اروپا سیزده زبان مستقل و رسمی وجود دارد که انگلیسی یکی از آنهاست. ناچار با نویسنده کتاب که ساکن لاهه در کشور هلند است، تماس گرفتم. مژده داد که کتاب را خود به انگلیسی ترجمه کرده، و این ترجمه به تعداد محدودی به چاپ رسیده است. قول داد که در سفر بعدی خود به لندن نسخه ای همراه بیاورد. آمد و آورد. دو ساعتی صحبت کردیم. معلوم شد هوتس نزدیک به سی سال در ایران زیسته و کار کرده و به فرهنگ این سرزمین کهنسال عشق ورزیده است. مجموعه نقشه تنها بخش کوچکی از مجموعه های مفصل اوست. دیگر مجموعه های او بیشتر در کتابخانه دانشگاه لایدن هلند نگهداری می شود. توصیه کرد برای پژوهش در زندگی هوتس و بازدید مجموعه های او چند روزی به لایدن بروم. کدام ایرانی علاقه مندی ست که از سفر به شهر زیبای لایدن که سیصد سال است در شرق شناسی و ایران شناسی شهرت جهانی دارد، استقبال نکند. هفته بعد از کتابخانه لایدن تلفن شد که خانم انگل برتس شما را معرفی کرده و گفته است که به کارهای هوتس علاقه مندید. منتظران هستیم. علاقه مندی بنده به ایران در این مورد با علاقه مندی آنان به هلند یکراه و همگام شده بود.

چند روزی را در آن کتابخانه سر کردم، و با کمک مؤثر و صمیمانه مسؤولان آن کتابخانه اطلاعات جالب و قابل ملاحظه ای درباره البرت هوتس فراهم شد که مایلم با خوانندگان مجله پژوهشی ایران شناسی در میان گذارم. به نظر رسید که بوده اند نفوسی از غربیان که هر یک به نوعی به میراث فرهنگی ایران دل بسته اند و به اشاعه و معرفی آن در غرب کمک کرده اند، ولی کمتر معروف ایرانیان اند. شاید وقت آن رسیده باشد که ما این نفوس نسبتاً گمنام را بهتر بشناسیم و کار آنان را ارج نهیم و قدر گذاریم و از آن برای آشنایی بیشتر جهان غرب با فرهنگ ایران سود بریم. اذعان دارم که این مقاله چند صفحه ای نه جامع است و نه می تواند خالی از اشتباه باشد. آغازی ست برای معرفی این گونه نفوسی که کمتر از آنان سخن به میان آمده است.

هوتس کیست؟

هوتس خود را «یک ایرانی از سرزمین دور»<sup>۵</sup> می دانست و در مهری<sup>۶</sup> که به اولین صفحه تمام کتابهای خود زده است [تصویر ۱] عبارت بالا را با علامات هیروگلیف<sup>۷</sup> نقش کرده است. در این مهر، مربع کوچک بالا معرف 'P' و نقش بیضی مانند معرف 'R' و دو نقش میخ مانند مقابل هم معرف 'S' و نقش زیرین معرف «سرزمین دور» است. با اضافه کردن یک حرف بی صدا 'e' می توان آن را به انگلیسی به این صورت نوشت: «P(e)RS from a Distant Land». این عبارت داخل محرابی شرقی (ایرانی) که با آجر یا کاشی ساخته

شده است قرار دارد و گرداگرد آن را تزیینات غربی (اروپایی) فرا گرفته است. هوتس چنان که خواهد آمد با چند کشور<sup>۱</sup> وابستگی نزدیک داشته، ولی تنها به علاقه مندی خود به ایران مهر تأیید زده است.



تصویر ۱: هوتس طرح بالا را (bookplate) به اولین صفحه شانزده هزار جلد کتابهای کتابخانه خود مهر زده است

البرت پل هرمان هوتس در سال ۱۸۵۵ در روتردام هلند متولد شد. نیاکان او تا سال ۱۷۷۰ در سوئیس زندگی می کردند، و به همین ملاحظه وی تا آخر عمر ارتباطش را با کشور سوئیس حفظ کرد و در آن کشور وفات یافت. پدرش ژاک ابتدا استاد کار ماهری در کارخانه آهنکاری خانوادگی در روتردام بود. سپس در لاهه مدیریت کارخانه آهنکاری بزرگتری را که به خانواده همسرش تعلق داشت، پذیرفت. تعداد کارکنان این کارخانه در سال ۱۸۶۸ به پانصد نفر می رسید، و در و پنجره و نرده و دیگر محصولات زیبای آهنی این کارخانه در بیشتر ساختمانهای مجلل لاهه به چشم می خورد. بدین ترتیب البرت در محیطی مرفه و فعال بزرگ شد و با طبقات مختلف از اعیان و سیاستمداران تا استادکاران و کارگران ساده تماس داشت. این تماسها او را با آرمانهایی چون عدالت اجتماعی و حقوق انسانی آشنا ساخت و در نوجوانی شخصیتی مستقل، ذهنی باز و فکری مبتکر یافت. به جغرافی و مردم شناسی علاقه مند شد و سفرنامه های جهانگردان اروپایی را مطالعه کرد و مجذوب سرزمینها و تمدنهای دوردست، به ویژه آسیا گردید. در هفده سالگی دوره

دیرستان را به انجام رسانید و سپس همراه والدین خود که در رفاه مالی بودند به انگلستان و فرانسه و آلمان و بلژیک و سوئیس سفر کرد. شاید در همین دوران بود که به زبانهای مختلف اروپایی چون فرانسوی، انگلیسی و آلمانی مسلط شد، و با زبانهای ایتالیایی و اسپانیایی و لاتین نیز آشنایی یافت. مردم هلند از قدیم به علت محدودیت جغرافیایی زبان هلندی، معمولاً دو زبان دیگر اروپایی را می آموختند ولی البرت جوان به چند زبان تسلط یافته بود.

ژاک پدر وی در سال ۱۸۷۴ بر اثر تشویق کوین ون هوگرورد (Keun van Hoogerwoerd) کنسول هلند در بندر بوشهر، مؤسسه ای برای تجارت با ایران و مناطق مجاور تأسیس کرد، و آن را «کنسرسیوم تجارت ایران - هوتس و پسر» نامید. کنسول مزبور معتقد بود که کشورش در استفاده از امکانات تجاری ایران نباید از دیگر کشورهای اروپایی عقب بماند. تشویق وی البرت جوان را چنان به هیجان آورد که از تحصیلات دانشگاهی که برایش فراهم بود، چشم پوشید، و در نوزده سالگی با عنوان «مدیر شعبه شرکت تجاری هوتس در بندر بوشهر» از راه دریا عازم ایران شد. در آن زمان در هلند مردان در بیست و سه سالگی کبیر می شدند، و به این علت می بایست برای البرت نوزده ساله گواهی کبیر سن بگیرند تا او بتواند به تنهایی سفر کند و مسؤولیت اداره شرکتی را عهده دار شود.

این سفر زیاد طولانی نشد، زیرا سال بعد (۱۸۷۵) پدر وی در چهل سالگی درگذشت، و البرت برای رسیدگی به امور خانواده مجبور به برگشت شد. در این موقعیت بعضی از اطرافیان معتقد بودند که تجارت با ایران سودآور نیست، و بهتر است که او از مراجعت به بوشهر صرف نظر کند و به ادامه تحصیل پردازد. ولی او توصیه مکرر پدر را که «تجربه بهترین معلم است»<sup>۱</sup> فراموش نمی کرد. او بعد از ترتیب و تنظیم امور مالی خانواده در سال ۱۸۷۶ برای بار دوم به ایران رفت و فعالیت تجاری وسیعی را شروع کرد. به تدریج شعبه های شرکت خود را در بندر بوشهر، بندر عباس، محمره، شوشتر، شیراز، اصفهان، رشت، سلطان آباد اراک، و چند شهر ممالک مجاور مانند بصره و بغداد و تفلیس تأسیس نمود، و پس از چندی طهران<sup>۲</sup> را مرکز کار خود قرار داد. او نزدیک به سی سال (۱۸۷۴ تا ۱۹۰۳) بیشتر اوقات خود را در ایران به سر برد. با وسایل حمل و نقل ابتدایی آن دوران مانند اسب و قاطر و کالسکه نه تنها به شهرها و مراکز مهم، بلکه به بسیاری از نقاط دور افتاده ایران سفر کرد. همه جا با مردم معاشر شد و عکس گرفت. او شرح بعضی از این سفرها را تحت عنوان «چاپار» به زبان انگلیسی در مجله بلاک وود (Black Wood) چاپ

ادینبورگ (تلفظ انگلیسی ادینبورو) منتشر ساخت. ایرانیان از زمانهای قدیم چا پار پست داشتند. هرودوت مورخ یونانی از توقفگاههای چا پار ایران که در طول راههای دراز به فاصله هایی حدود سی کیلومتر برای توقف و استراحت چا پارچیان و تعویض حیواناتشان ساخته شده بود، یاد کرده است. این چا پارچیان معمولاً چند رأس اسب و قاطر اضافی نیز داشتند که به مسافران کرایه می دادند. همسفر شدن با آنان هم سریع تر شخص را به مقصد می رسانید و هم با ایمنی بیشتری توأم بود. به نظر می رسد که البرت هوتس بخش قابل ملاحظه ای از سفرهای خود را همراه چا پارچیان انجام داده است.

هوتس که مدیری مطلع و درستکار بود به تدریج مورد توجه مقامات رسمی ایران قرار گرفت. در اصفهان مورد احترام ظل السلطان حاکم ولایت بود. دز طهران میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به صدارت رسید، به او اعتماد داشت. هوتس با بسیاری از ارباب صنایع و تجار ایرانی مانند امین الضرب روابط دوستی و تجاری برقرار کرد. در سال ۱۸۸۳ به نمایندگی ایران در «نمایشگاه بین المللی مستعمرات در آمستردام»<sup>۱۲</sup> شرکت نمود، و فرآورده های مختلف ایران را در غرفه مؤسسه تجاری خود به معرض نمایش و فروش گذارد. کاتالوگ تفصیلی این نمایشگاه از طرف دکتر پولاک<sup>۱۳</sup> (Dr. J. E. Polak) که از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ طیب مخصوص ناصرالدین شاه بود، به چاپ رسید. این کاتالوگ نشان می دهد که او بسیاری از محصولات ایران را برای صدور به هلند و مستعمرات آن کشور و دیگر کشورهای اروپایی در این نمایشگاه ارائه کرده است. از جمله پوست و شاخ حیوانات، مواد معدنی، نمونه های نفت ایران، محصولات صنایع دستی، ابریشم و پشم و پنبه، فرش، کارهای مسی و برنجی و تریاک. در مورد تریاک، او به این نکته توجه کرده بود که تجارت این محصول گرانبها در هند هلند (اندونزی امروز) در انحصار هلندی هاست، و او می تواند تریاک ایران را به آن مناطق صادر کند، هر چند که در این مورد توفیقی به دست نیاورد.<sup>۱۴</sup>

او هیچ موقعیتی را از دست نمی داد و به این ضرب المثل هلندی استناد می کرد که سه چیز برگشت ندارد، تیری که رها شده است، حرفی که گفته شده است و موقعیتی که از دست رفته است. از جمله وقتی تشخیص داد که هلندی ها علاقه چندانی به تجارت با ایران نشان نمی دهند و اعتبارات لازم را در اختیار شرکت های او نمی گذارند، در حالی که انگلستان به گسترش تجارت با ایران راغب است، درنگ نکرد. مرکز کار خود را در اروپا از هلند به لندن منتقل ساخت (۱۸۸۴) و به امکانات اعتباری و مالی وسیعتری دست یافت.

هوتس در اواخر دهه هشتم از سده نوزدهم کارهای تجاری خود را به تدریج به کارکنان

خویش واگذارد، و خود به کارهای دیگری که مورد علاقه وی بود، پرداخت. از جمله مدتی کنسولیار هلند در بندر بوشهر شد و فرصت بیشتری یافت که مجموعه های خود را مرتب و تکمیل کند. سپس با حسن شهرتی که در ایران به هم زده بود، در سال ۱۸۸۹ به مدیریت بانک شاهنشاهی ایران<sup>۱۵</sup> منصوب شد و به فکر افتاد بعضی از طرحهای اقتصادی خود را که از پیش در نظر داشت، با کمک مالی بانک به مرحله عمل درآورد. نخست امتیازی را که در سال ۱۸۸۴ برای حفر چاه نفت در بخشی از خوزستان<sup>۱۶</sup> از ناصرالدین شاه به دست آورده بود، به میان گذارد، و در منطقه امتیاز او چند چاه نفت حفر شد. هر چند مساعی او در این مورد بی ثمر ماند، ولی باید او را اولین شخصی دانست که در ایران با وسائل فنی پیشرفته به حفر چاه نفت دست زده است.

مورد دیگر گشودن رودخانه کارون به روی کشتیهای کوچک تجاری بود. ژنرال مردوک اسمیت (Murdoch Smith)<sup>۱۷</sup> انگلیسی اهمیت زیادی برای این طرح قائل بود و دراموند ولف (Drummond Wolff) سفیر انگلستان در طهران، امتیاز مربوط را در سال ۱۸۸۸ از ناصرالدین شاه برای بانک شاهنشاهی ایران گرفته بود. هوتس وسائل کشتیرانی تجاری را از دهانه شط العرب در خلیج فارس تا حدود شوشتر فراهم ساخت. شرح فعالیتهای هوتس در بانک شاهنشاهی ایران مفصل و از حوصله این مقاله مختصر خارج است. آرشیو بانک مزبور بعداً به بانک انگلیس در خاورمیانه و سپس به بانک هونگ کونگ و شانگهای انتقال یافت و اینک در ضبط را کد بانک هونگ کونگ در لندن موجود است، و تفصیل اقدامات هوتس را در سالهای خدمتش در آن بانک می توان با کمک این آرشیو مطالعه و بررسی کرد.

هوتس در سال ۱۸۹۳ با دختر یکی از افسران عالیرتبه نیروی دریایی انگلستان که در بحریه عثمانی خدمت می کرد، ازدواج کرد، و با انتقال مرکز کار خود در اروپا به لندن، به تدریج با دربار و اشراف انگلیسی آشنا و معاشر شد، ولی تبعیت هلندی خود را حفظ کرد. در لندن به نقیوت انجمن هلندی ها و تأسیس اطاق بازرگانی هلند پرداخت. او هرگز نتوانست با سیاست خارجی انگلستان هماهنگ شود، و وقتی کار خود را در ایران خاتمه داد (۱۹۰۳) مرکز لندن را برجید و با خانواده به کشورش هلند مراجعت کرد. دولت هلند او را در سال ۱۹۰۹ به سمت سرکنسول خود در بیروت منصوب نمود، و هوتس تا سال ۱۹۲۱ در این سمت باقی ماند. در زمان کنسولی وی در بیروت جنگ جهانی اول در گرفت، و کشورهای انگلیس و فرانسه و روسیه با عثمانی وارد جنگ شدند. کنسول های این کشورها و بسیاری کشورهای دیگر اروپا بیروت را ترک کردند، و عملاً تنها کنسولی از اروپای غربی که در

بیروت باقی مانده بود، البرت هوتس کنسول هلند بود. دولتهایی که وارد جنگ شده بودند حفظ منافع اتباع خود را در بیروت و نواحی مجاور به کنسول هلند واگذار کردند. او در این موقعیت حساس کاردانی و انساندوستی خود را بیش از پیش آشکار کرد و بعد از خاتمه جنگ مورد تقدیر فراوان کشورهای مذکور قرار گرفت و به دریافت مدالهای افتخار متعددی نایل شد.

هوتس در سال ۱۹۲۱ به علت پیری و ضعف مزاج به هلند مراجعت کرد و باقی عمر خود را صرف تکمیل و تنظیم مجموعه های خویش نمود. قوای او به تدریج به تحلیل رفت، و صحتش مختل شد، و در سن هفتاد و پنج سالگی (۱۹۳۰) در سویس بدرود زندگی گفت و در روتردام به خاک سپرده شد. هدف این مقاله شرح تفصیلی زندگی البرت هوتس و فعالیت های اقتصادی او نیست، و بنا بر این در مورد زندگینامه او به همین مختصر اکتفا می شود. برای مطالعه شرح حال مفصل وی می توان به کتاب خانم انگل برتس<sup>۱۸</sup> مراجعه کرد.

#### مجموعه های فرهنگی هوتس

هوتس به جمع آوری اطلاعات دست اول و ثبت و دسته بندی این اطلاعات در مورد کارهای تجاری و فرهنگی خود اعتقاد عمیقی داشت. به همین دلیل در طول سی سال اقامت خود در ایران هر ورق و اعلان و عکس و مقاله و کتابی را که در دسترس او قرار می گرفت و حاوی اطلاعاتی اقتصادی یا فرهنگی در مورد ایران بود، به دقت مطالعه می کرد و نگاه می داشت، و این رویه را در خارج از ایران نیز تا آخر عمر ادامه داد. دانستن زبانهای مختلف اروپایی و آشنایی مختصری که با فارسی و عربی و ترکی پیدا کرده بود، و نیز امکانات و موقعیت اجتماعی و توانایی مالی او در این گردآوری بزرگ تاثیر کلی داشته است. همچنین آشنایی نزدیک و معاشرتش با بعضی شرق شناسان معروف مانند پروفیسور ادوارد براون انگلیسی<sup>۱۹</sup> (Edward G. Browne) و پروفیسور دو گوژ هلندی<sup>۲۰</sup> (M. J. De Goeje) و راهنمایان ارزشمند آنان در توفیق هوتس در انتخاب به جا و جمع آوری اجزای مجموعه های او بی تاثیر نبوده است. اما بدون شک باید عشق و علاقه فراوان او را به فرهنگ ایران مهمترین عامل و محرک وی در تهیه این مجموعه های مفصل و پر خرج دانست. در مطالعه زندگینامه هوتس به این نکته پوشیده نیز بر می خوریم که نداشتن تحصیلات دانشگاهی در شرق شناسی، او را از محدودیت تخصص و توقف در یک رشته ویژه نیز آزاد کرده بود و او به همه جوانب فرهنگ ایران توجه داشت.

وقتی هوتس کارهای تجاری خود را به کارکنان خویش واگذار کرد و سمت کنسولیاری

هلند را در بندر بوشهر پذیرفت، فرصت کافی یافت که نمونه هایی از لباسهای محلی ایرانی و ابزار و اشیای مورد استفاده مردم را از زمانهای سابق و آنچه در آن ایام هنوز معمول و مرسوم بود، جمع آوری کند. او این مجموعه را در سال ۱۸۸۵ به موزه مردم شناسی روتردام<sup>۲۱</sup> هدیه کرد، و این اولین مجموعه ایرانی اوست که در موزه ای استقرار یافته است. هوتس در دوران اقامتش در لندن با کتابشناس و کتابفروش هلندی به نام لوزاک (C. G. Luzac) که مغازه معتبری روبه روی موزه بریتانیا داشت، آشنا شد. این آشنایی به دوستی انجامید، و لوزاک او را تشویق کرد که کنجینه کتابها و دیگر مجموعه های خود را از ایران به لندن انتقال دهد و با راهنمایی وی به تکمیل این مجموعه ها و تهیه فهرستهای لازم پردازد. هوتس توصیه دوست خود را پذیرفت، و اولین مجموعه ای را که در لندن مرتب کرد، شامل چینی آلات و جواهرات و اسلحه و انواع گلدان و لباسهای قدیمی و اشیایی از این دست بود که بیشتر از ایران و گاه از مناطق مجاور ایران تهیه کرده بود. این مجموعه به موزه مردم شناسی لایدن هلند اهدا شده است.

او در لندن عضو «انجمن پادشاهی جغرافیا» و «انجمن هنر»<sup>۲۲</sup> و «انجمن پادشاهی آسیا»<sup>۲۳</sup> بود. در کنفرانسهای شرق شناسان شرکت می کرد، و با مشورت آنان صورت کسریهای مجموعه های خویش را یادداشت می نمود، و سپس با پشت کاری بی نظیر و با کمک دوست کتابفروش خود، درصدد تهیه و خرید این کسریها بر می آمد. او در این جریان به مطالعه کتابهای مربوط به مذاهب شرقی و به ویژه ایرانی علاقه مند شد. کتاب ادیان و فلسفه های آسیای مرکزی اثر گوینو<sup>۲۴</sup> و نیز کتاب آیین میترا<sup>۲۵</sup> و به ویژه ترجمه کتاب زند و اوستا اثر انکتیل دوپرون (Anquetil du Perron) مورد توجه خاص او بود.

#### مجموعه کتابهای هوتس

مجموعه کتابهای هوتس حدود ۵۷۰۰ عنوان در ۱۶۰۰۰ مجلد است که بیش از نیمی از آنها یا سراسر مربوط به ایران است و یا بخشی در مورد ایران دارد. بیشتر این کتابها چاپ قرن نوزدهم است و به زبانهای فرانسوی، آلمانی، انگلیسی، هلندی، ایتالیایی، اسپانیایی و گاه لاتینی نوشته شده است. تعداد انگشت شماری کتاب فارسی و عربی و ترکی و چند جلد کتاب خطی نیز در این مجموعه یافت می شود. البته باید دانست که نسخه هایی از این کتابها در کتابخانه های معتبر جهان موجود است، ولی صورت مجموعه به هم پیوسته ای ندارد.

این مجموعه به دو بخش تقسیم شده است:

بخش اول: کتابهایی که به انجمن پادشاهی جغرافیایی لندن در سال ۱۹۲۵ اهدا شده



است

هوتس عضو انجمن مذکور بود و با این انجمن روابط دوستانه و همکاری فرهنگی داشت. در سال ۱۹۲۵ وقتی مقیم سویس بود، از رئیس کتابخانه انجمن دعوت کرد که به دیدن وی به شهر لوگانو برود و کتابهای او را از نزدیک بازدید کند. هدف او شاید این بوده است که کتابهایش را یک جا به انجمن مذکور واگذار نماید. رئیس کتابخانه آقاسی کرون (G. R. Crone) عازم لوگانو شد، ولی از میان انبوه کتابها تنها بعضی سفرنامه ها و کتابهای تاریخی و جغرافیایی و مجلدات کمیاب قدیمی را - حدود ششصد عنوان در یک هزار مجلد - انتخاب کرد. هوتس این مجموعه برگزیده را در ماه می سال ۱۹۲۵ به کتابخانه انجمن پادشاهی جغرافیایی لندن رسماً هدیه نمود. بیشتر این مجلدات در قفسه بزرگ ویژه ای در اطاق مطالعه انجمن قرار دارد، و فهرست سردستی مختصر و جداگانه ای برای این کتابها تهیه شده است. کتابهای خطی و قدیمی و کمیاب این مجموعه در خزانه کتابخانه محفوظ است.

علاقه مندانی که بخواهند از نوع این کتابها اطلاعی کلی داشته باشند می توانند به پیوست ۱ که معرف چند نمونه از آنهاست، مراجعه نمایند. به ویژه چند نسخه قدیمی از سفرنامه شاردن فرانسوی و سفرنامه اولتاریوس آلمانی و نیز اولین ترجمه گلستان سعدی به زبان آلمانی به وسیله اولتاریوس در این مجموعه جلب نظر می کند.

آقای کرون رئیس کتابخانه انجمن ۷۳ نقشه قدیمی ایران را نیز در سفر لوگانو کنار گذارده بود که در حال حاضر تحت عنوان «مجموعه هوتس از نقشه های قدیمی ایران» در دو پوشه در اطاق نقشه ها نگهداری می شود که در پیش به آن اشاره شد.

بخش دوم: مجموعه ای که به کتابخانه دانشگاه لایدن اهدا شده است.

عمر هوتس چندان نپایید که وی بتواند تکلیف باقی مانده کتابها و مجموعه های فرهنگی خود را روشن کند. ولی علاقه وافر او به کتابخانه دانشگاه لایدن برای همسرش تردیدی باقی نگذارد که باید آنها را به کتابخانه مذکور اهدا نماید.

در این جا بی مناسبت نیست که نخست اشاره کوتاهی به سابقه شهر لایدن و دانشگاه معروفش بشود. لایدن شهری ست کوچک، قدیمی و زیبا که بین آمستردام و لاهه قرار دارد. با آن که این شهر به تدریج توسعه یافته و اینک بیش از یک صد هزار نفر جمعیت دارد، مرکز قدیمی شهر که خوشبختانه در دو جنگ جهانی کمتر آسیب دیده، به همان سبک و سیاق سابق با خندق پر آبی که پیرامون خود دارد نگهداری شده است. در تاریخ اروپا از این آبادی در سال ۹۲۲ یاد شده، ولی توسعه آن مربوط به سده دوازدهم و بعد از آن

است. در سال ۱۵۸۱، وقتی فامیل الزویر (Elzevir) از لوون (Louven, Louvain) که اکنون جزو کشور بلژیک است، به لایدن کوچ کردند و چاپخانه ای در آن جا تأسیس نمودند، این شهر یکی از مراکز نسبتاً مهم چاپ کتاب در اروپا شد. چند سال قبل از آن (۱۵۷۵) ویلیام اول<sup>۲۶</sup> دانشگاهی در این شهر پی افکند با این هدف که مرکز تحقیق و تدریس علوم دینی مسیحی و به ویژه نظریات مذهبی کالون<sup>۲۷</sup> باشد. در این راستا زبان عبری ابزاری بود لازم که تدریس آن از همان اوان در برنامه دانشگاه قرار گرفت، و ناشری دانشمند به نام رافلنگیوس (Raphelengius) که داماد پلاتینین (Platinin) معروف بود، در سال ۱۵۸۶ به استادی کرسی زبان عبری برگزیده شد. پلاتینین چاپخانه دار به نامی بود که در آنورس و پاریس کتابهای نفیس بسیاری را به چاپ رسانیده بود. چاپخانه او در آنورس با همان ماشینهای ابتدایی و قدیمی چاپ که او به کار برده بود اکنون به صورت موزه جالبی درآمده است. پلاتینین خود در سال ۱۵۸۳ برای مدت دو سال به لایدن آمد و به عنوان مساح و نقشه بردار برای دانشگاه تازه تأسیس لایدن کار کرد. چند سال بعد (۱۵۹۳) اسکالیگر (J. J. Scaliger) به استادی زبان عربی منصوب شد، و با این انتصاب بخش تدریس زبانهای شرقی توسعه یافت، و به تدریج تعدادی کتاب خطی و چاپی عبری و عربی و فارسی و ترکی و دیگر زبانهای شرقی در این بخش گرد آمد. در سال ۱۶۶۵ تک واقعه غیر منتظره ای سبب تأسیس رسمی کتابخانه دانشگاه و به ویژه بخش شرق شناسی آن شد. مجموعه داری هلندی به نام وارنر (Levinus Warner) که ساکن استانبول بود و اهل دانش و پژوهش، کتابهای شرقی فراوانی از خطی و چاپی، بیشتر به زبانهای عربی و فارسی و ترکی گرد آورده بود. او در سال ۱۶۶۵ درگذشت، و در وصیت نامه خود تمام کتابهای خویش را به دانشگاه لایدن بخشید. این کتابها در چند نوبت با کشتی به هلند حمل و تحویل دانشگاه شد و اساس کتابخانه دانشگاه لایدن را که امروز از بزرگترین و پر ارزش ترین کتابخانه های شرق شناسی عالم است، تشکیل داد. مطالعات شرق شناسی دانشگاه به اتکای این کتابخانه وسعت یافت و تاکنون از رونق نیفتاده است. این کتابخانه که برای قدردانی از وارنر «میراث وارنر»<sup>۲۸</sup> نامیده شده است، در سال ۱۹۸۳ به ساختمان جدید و مجهز خود در حاشیه شهر قدیم منتقل شد، و اکنون بیش از دو میلیون و هفتصد هزار جلد کتاب دارد.<sup>۲۹</sup>

اینک بر می گردیم به میراث هوتس. خانم هوتس با توجه به نیت همسر خویش، پنج سال بعد از درگذشت وی (۱۹۳۵) آنچه از کتابهای او باقی بود - حدود ۵۰۰۰ عنوان در ۱۵۰۰۰ مجلد - به کتابخانه دانشگاه لایدن اهدا کرد که در «بخش کتابهای خطی و چاپی شرقی» به صورت مجموعه ای جداگانه نگهداری می شود. مجموعه مزبور تا سال ۱۹۶۰ در

ساختمان قدیم کتابخانه در قفسه های آزاد چیده شده و در دسترس علاقه مندان بود، ولی در سال ۱۹۶۰ به علل حفاظتی به قفسه هایی دور از دید مراجعه کنندگان انتقال یافت. ساختمان قدیمی کتابخانه در اصل کلیسایی بود که آن را به کتابخانه تبدیل کرده بودند و گوشه ها و صندوقخانه ها و زیرزمینها و اضافات بسیاری داشت. این بنا حدود چهارصد سال کتابهای دانشگاه را چون مادری مهربان در آغوش گرفته و محفوظ داشته بود. وقتی در سال ۱۹۸۳ ساختمان نو و مجهز کتابخانه آماده بهره برداری شد، کلیه کتابها و از جمله ۱۵۰۰۰ جلد مجموعه هوتس به این بنای جدید منتقل گردید. در این اسباب کشی بزرگ بعضی از مجموعه ها و صندوقها و پوشه های فراموش شده از گوشه و کنار کتابخانه قدیم بیرون آمد، و به دیگر سخن کشف شد. از جمله هشتاد صندوق حاوی اوراق متفرقه هوتس و نیز مجموعه عکسهای او بود که از سال ۱۹۳۵ تا آن تاریخ هرگز مورد بررسی و استفاده قرار نگرفته بود. به این صندوقها و مجموعه عکسها بعداً اشاره خواهد شد.

فهرست کتابهای بالا در سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ در دو جلد تنظیم و به چاپ رسیده است. از نظر نوع کتابها، آنچه درباره مجموعه کتابهای هوتس در کتابخانه انجمن پادشاهی جغرافیایی لندن گفتیم، در این مورد نیز صادق است، جز آن که این کتابها منحصر به مطالب جغرافیایی و تاریخی و سفرنامه ها نیست. پیوست ۲ چند نمونه از این کتابها را - بیشتر به زبان انگلیسی - برای ملاحظه علاقه مندان به دست می دهد. سیزده جلد کتاب قدیمی درباره سعدی و نسخه ای از تمام آثار چاپی ادوارد براون و چند چاپ مختلف از سفرنامه شاردن در این مجموعه جلب نظر می کند.

#### مجموعه عکسهای هوتس از ایران

هوتس طی سفرهای متعدد و طولانی خود از مناظر طبیعی و ساختمانها و افراد و زندگی مردم ایران عکسبرداری کرده است. وی از عکاسان خارجی مقیم ایران نیز تعدادی عکس خریده است. این مجموعه که شامل ۱۱۵۹ عکس است در پانزده آلبوم و پنج پوشه مرتب شده است. ذکر چند نکته عمومی در مورد این عکسها و دیگر عکسهایی که در سده نوزدهم از ایران تهیه شده است، مفید به نظر می رسد:

نخست آن که اولین دوربینهای عکاسی عمومی حدود سال ۱۸۳۹ در اروپا به بازار آمد. پیش از آن نقاشان طرحهایی با سیاه قلم از مناظر و اشخاص برای چاپ در کتابها - بیشتر با روش حکاکی روی صفحه مسی - آماده می کردند. هنر این نقاشان در سده هجدهم و نوزدهم به حد کمال خود نزدیک شد و مورد تحسین همگان قرار گرفت، در حالی که وسائل عکاسی تا اواخر سده نوزدهم پیشرفته نبود و هنوز هم سیر تکامل خود را به انجام نبرده است.

بنابراین، عکسهای هوتس را که با آن وسایل ابتدایی تهیه شده است، نباید با عکسهای پیشرفته امروز مقایسه کرد.

دوم آن که نه تنها وسایل بلکه مهارت‌های عکاسی نیز در قرن نوزدهم مراحل ابتدایی خود را طی می‌کرد. برای نمونه، هوتس گاه جمعی را در سایه قرار داده و خود رو به آفتاب ایستاده و از آنان عکس گرفته است. در نتیجه عکس تاریک است و صورتها به درستی قابل تشخیص نیست.

سوم آن که با همه کوششی که برای محافظت این عکسها به کار رفته، طی زمانی بیش از یک قرن، رنگ پریدگی و شکستگی و خوردگی در بسیاری از این عکسها دیده می‌شود. ولی این همه چیزی از ارزش تاریخی و فرهنگی این عکسها نمی‌کاهد. به دیگر سخن، هنوز این عکسها بهترین معرف مناظر و تمدن آن روز ایران است، با آن که شاهکار عکاسی نیست. فهرست کامپیوتری این عکسها به تازگی تهیه شده است. ضمناً هر عکسی دارای شماره ای ست سه رقمی که با شماره آلبوم یا پوشه معرف آن عکس ویژه است.

\* آلبومهای شماره ۱ تا ۱۰ شامل ۶۵۷ عکس است که البرت هوتس در سالهای ۱۸۹۰ و ۱۸۹۱ در مسافرت‌های جنوب به شمال خویش از بوشهر تا قفقاز، شخصاً تهیه کرده است. این عکسها بیشتر از بندر بوشهر، بندرعباس، تنگه هرمز، جزیره خارک، بندر محمره، رودخانه کارون، اهواز، شوشتر، کازرون، شیراز، تخت جمشید، بازارگاد، اصفهان، سلطان آباد، طهران، تبریز و بعضی نقاط دیگر و شهرهای مجاور ایران مانند ایروان، تفلیس و بصره و بغداد گرفته شده است. عکسهای تکراری یا شبیه در این آلبومها دیده می‌شود.

\* آلبوم ۱۱ و ۱۲ شامل ۱۴۱ عکس است که به وسیله عکاس آلمانی زبان به نام ارنست هولتزر (Ernst Hoeltzer) در سال ۱۸۹۰ تهیه شده است. هولتزر سالیانی مقیم اصفهان بوده و همسری ارمنی از جلفا داشته است. عکسهای او بیشتر از اصفهان و جلفای اصفهان است، و به نظر می‌رسد که هوتس این عکسها را از او خریداری و پیوست مجموعه خود کرده است. هنرشناس و پژوهنده انگلیسی خانم جنیفر سیرس (Jennifer Searce) جزوه کوچکی در مورد عکسهای هولتزر در سال ۱۹۷۶ در لندن انتشار داده<sup>۳۰</sup> و در آن بیست و چهار نمونه از عکسهای مزبور را آورده است. این جزوه از نظر تیزبین استاد ایرج افشار دور نمانده، و ایشان در کتاب جالب خود گنجینه عکسهای ایران<sup>۳۱</sup> به این مقاله اشاره کرده است، ولی تا آن جا که بنده در کتاب مزبور به سرعت جستجو کردم، اشاره ای به ۶۵۷ قطعه عکسهای هوتس نیافتم.

\* آلبوم ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ جمعاً شامل ۱۷۴ عکس است که به وسیله عکاسی فرانسوی به نام

انتوان سوروگین (Antoine Sevruguin) از کازرون و شیراز و تخت رستم و بوشهر و اصفهان و کرمان و علی آباد و رشت و طهران و بغداد و بصره تهیه شده است. تعدادی از این عکسها زندگی روزمره و لباس مردم کردستان ایران را از رقصان و مطربان و بافندگان و سوارکاران و فروشندگان خیابانی نشان می دهد. سوروگین در طهران عکاس رسمی بوده و این عکسها را به هوتس فروخته است.

\* در پنج پوشه شماره ۱۴ و ۱۷ تا ۲۰ تعداد ۱۸۷ عکس قرار دارد که روی مقوا چسبانیده اند. تعداد کمی از این عکسها از مناظر ایران است و باقی از اروپا و روسیه و بیروت.

کتابخانه دانشگاه لایدن از سوم ژانویه تا چهارم مارس ۱۹۹۵ نمایشگاهی از مجموعه عکسهای هوتس در ساختمان کتابخانه برگزار کرده است که شاید مورد بازدید بعضی علاقه مندان ایرانی نیز قرار گرفته باشد. در کتابخانه لایدن گزارشی یا مقاله ای از بازدید کنندگان احتمالی ایران درباره این نمایشگاه دیده نشد، ولی شرح نسبتاً جامعی تحت عنوان «ایران و هوتس، تصاویری از مجموعه عکسهای هوتس در کتابخانه دانشگاه لایدن» به کوشش وورمان و مارتنز (Vuurman & Martens) در ۱۱۱ صفحه به زبان هلندی منتشر شده است.<sup>۳۲</sup> که حاوی اطلاعات نسبتاً مفصلی درباره مجموعه عکسهای هوتس است. شرحی نیز به قلم دکتر ویتکام (J.J. Witkam) رئیس بخش مجموعه های شرقی کتابخانه دانشگاه لایدن در مورد عکسهای هوتس به زبان انگلیسی در دست است که در مجلد ایران و مطالعات ایرانی، مقالاتی برای بزرگداشت ایرج افشار، به کوشش کامبیز اسلامی در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسیده است.<sup>۳۳</sup>

عکسهای هوتس منحصر به این مجموعه نیست، چه دست کم ۳۵ عکس به کتابخانه دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند راه یافته و ۳۷ عکس دیگر به موزه مردم شناسی لایدن رسیده است. تعدادی عکس نیز هنوز در قوطیهای اوراق پراکنده هوتس باقی ست که بررسی و مرتب نشده است. برای ملاحظه نمونه ای از این عکسها به تصویر ۲ و تصویر ۳ نگاه کنید که طبق اظهار نظر مسئولان کتابخانه تاکنون به چاپ نرسیده است.

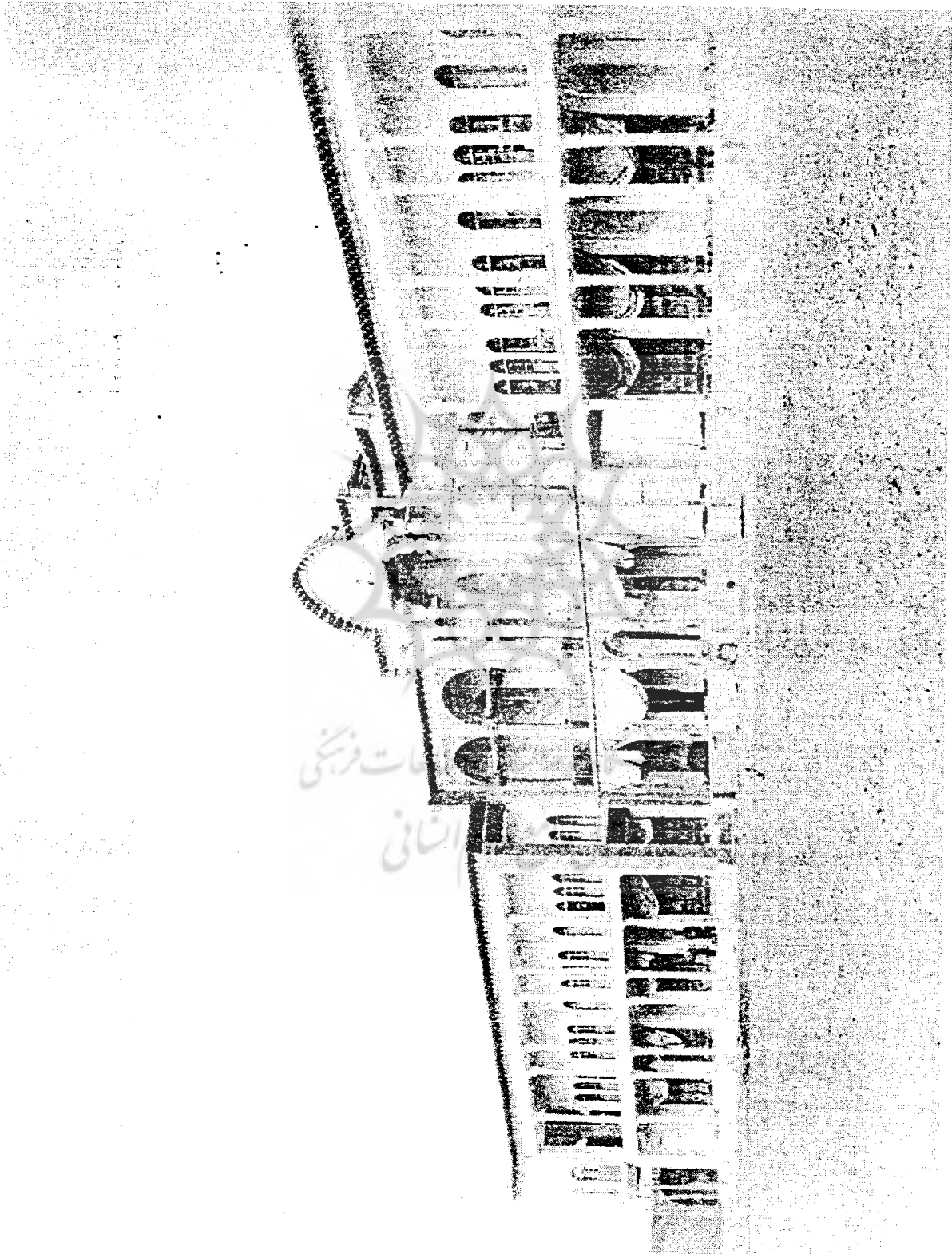
#### اوراق پراکنده هوتس

در بخش شرقی کتابخانه دانشگاه لایدن، جدا از کتابها و عکسهای هوتس، ۸۰ قوطی حاوی اوراق پراکنده هوتس از بریده روزنامه های خارجی و گزارشات و مقالات و جزوه های کوچک موجود است. این قوطیها را همسر هوتس در سال ۱۹۳۵ همراه کتابها و عکسها به کتابخانه لایدن تحویل داده بود. در اسباب کشی بزرگ ۱۹۸۳ به ساختمان جدید



تصویر ۲: زن کُرد، ۱۸۹۰، کردستان ایران، از مجموعه هوتس،

حاوی عکسهای ایران، با اجازه کتابخانه دانشگاه لایدن



تصویر ۳: ساختمان میدان اسب، دوانی، طهران، ۱۸۹۰، از مجموعه هوتس، حاوی عکسهای ایران، با اجازه کتابخانه دانشگاه لایدن

کتابخانه، این قوطیها دوباره یابی شد. محتوای این قوطیها هنوز بررسی و تنظیم نشده است و فهرستی ندارد. همین اندازه معلوم است که بیشتر در مورد مطالب مختلف و متنوعی از ایران و فرهنگ ایران است، مانند تاریخ ایران باستان و آثار باستانی ایران، کتاب اوستا، تاریخ ایران پیش از اسلام و زبانهای متداول آن دوران، ادبیات فارسی، عادات و آداب اسلامی، صنایع دستی ایران، فهرست کتابهای خارجی مربوط به ایران، گاهنامه ها، راپرت های کنسول های خارجی مقیم ایران، جغرافی، زمین شناسی، زیست شناسی مربوط به ایران، تاریخ عکاسی در ایران، محصولات تجاری و وضع حمل و نقل و راهها و مسافرت در ایران.

به نظر خبرگان بخش شرق شناسی کتابخانه لایدن، محتوای این ۸۰ قوطی با مجموعه عکسهای هوتس ارتباط دارد، و چگونگی این ارتباط وقتی معلوم می شود که این محتوا به دقت بررسی شود و فهرستی برای آن تهیه گردد.

#### تصاویر چاپی ایران

کتابخانه دانشگاه لایدن بخش جداگانه ای برای نقشه های جغرافیایی و تصاویر چاپی<sup>۳۴</sup> دارد که در آن ۷۸ تصویر چاپی<sup>۳۵</sup> از ایران به نام «مجموعه تصویرهای چاپی ایران» نگهداری می شود. این تصویرها در پوشه بزرگی قرار دارد و بیشتر مربوط به تخت جمشید و دیگر آثار تاریخی ایران و جزئیات این بناها مانند ستونها و سرستونها و مجسمه های سنگی ست. این تصاویر از منابع مختلف و بیشتر از کتابهای فرانسوی آمده است. بعضی دیگر از این تصویرهای چاپی دورنمای شهرهای قدیمی ایران را مانند اصفهان، اردبیل، گامرون (بندر عباس) کاشان، قم، سبا (ساوه)، تبریز و سلطانیه نشان می دهد. این تصاویر بیشتر از سفرنامه های اورلئاریوس آلمانی و شاردن فرانسوی و یا نشرهای بعدی آنها به وسیله ناشران هلندی چون کارل آلدرد (Carlus Allard) و ون در آآ (Pierre Von der AA) گرفته شده است. بعضی تصویرهای تخیلی از قصرهای پادشاهان ایرانی نیز در این پوشه موجود است که گویا برای نمایش با دستگامهایی از نوع «شهر فرنگ» برای اطفال و نوجوانان اروپایی به کار می رفته است. در این تصاویر قصرها کاملاً تخیلی و غربی و لباسها مخلوطی از انواع عربی و هندی و ترکی ست، و تنها عنوان تصویر مربوط به ایران است، و این می رساند که تهیه کنندگان و نمایش دهندگان خیابانی این تصاویر، هدفشان تجاری بوده و علاقه ای به واقعیات تاریخی نداشته اند.

#### چهار نقاشی آبرنگ از ایران

در بخش نقشه ها و تصاویر چاپی کتابخانه لایدن، سه تابلوی آبرنگ از اصفهان و یک



تابلو از قم نگهداری می شود. این تابلوهای زیبا کار هنرمند هلندی هوفستد ون اسن (G. Hofsted van Essen) در سال ۱۷۰۳ می باشد.

عنوان تابلوی اول «میدان بورس اصفهان»<sup>۳۶</sup> است که به میدان شاه یا میدان نقش جهان معروف است و می دانیم که در این میدان بازار مکاره برپا می شده است [تصویر ۴]. این نقاشی جالب وضع میدان مرکزی اصفهان را در سال ۱۷۰۳ با جزئیات قابل ملاحظه ای نشان می دهد. از جمله توپهای جنگی در یک سمت میدان قرار دارد، و بعضی گروههای کوچک نظامی در سوی مقابل مشغول تمرین هستند. میدان شاه اصفهان در سابق درخت و حوض و فواره نداشته، و تمام سطح آن برای فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و نظامی قابل استفاده بوده است. پهنای این تابلو حدود ۴۱ سانتیمتر و بلندی آن ۶۹ سانتیمتر است.

عنوان تابلوی دوم «پل شیراز»<sup>۳۷</sup> است که به پل خواجو معروف است ابعاد این تابلو ۴۴ در ۳۱ سانتیمتر است.

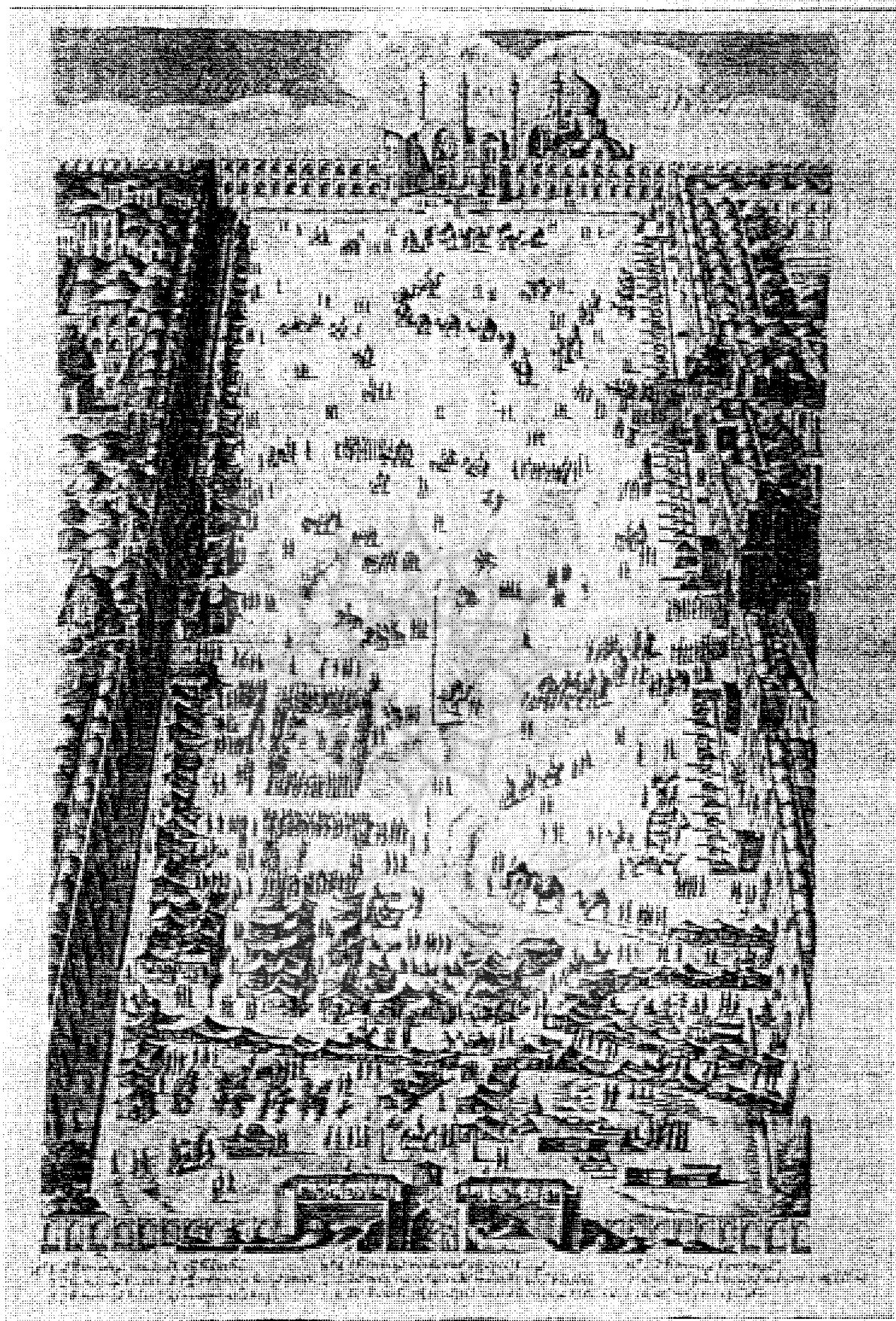
عنوان تابلوی سوم «پل جلفا» است که همان سی و سه پل یا پل الله وردی خان است، و ابعاد آن ۴۴ در ۳۱ سانتیمتر است.

عنوان تابلوی چهارم «منظره ای از قم» است و اندازه آن کوچکتر از سه تابلوی دیگر است. نگارنده نمونه چاپی این تابلوها را در کتابهای تاریخی یا جغرافیایی یا سفرنامه به نظر نمی آورد و بنا بر این تصویر ۴ شاید اولین چاپ تابلوی مذکور باشد.

#### آثار قلمی هوتس

هوتس را نمی توان در ردیف نویسندگان قرار داد. با وجود این مقالات قابل ملاحظه ای، بیشتر به زبان هلندی و گاه به انگلیسی، از او باقی مانده است. کتاب مفصل منابع تاریخ فعالیتهای کمپانی هند شرقی در ایران که جلد اول آن به کوشش دانسلپ (H. Dunlop) در ۸۵۰ صفحه به زبان هلندی در زمان حیات هوتس منتشر شد، در درجه اول متکی به پژوهشها و یادداشتهای هوتس است.<sup>۳۸</sup> خانم انگل برتس در کتاب خود دوازده مقاله هوتس را به زبان هلندی و انگلیسی که همه راجع به ایران است، برشمرده است، مانند «تصاویر تخت جمشید و پالمیرا (در سوریه) به وسیله نقاشان هلندی»<sup>۳۹</sup> و «راههای تجارتهای ایران»<sup>۴۰</sup>.

در مورد خارجیان برجسته ای که در چند سده گذشته مدتی در ایران اقامت گزیده و کار کرده اند، همیشه پرسشهایی مطرح شده است که یافتن پاسخ صحیح در هر مورد پژوهش گسترده ای را لازم دارد. در مورد هوتس از جمله می توان پرسید که با توجه به این که او مدتی کنسولبار هلند در بندر بوشهر بوده، آیا در ایران اهداف سیاسی داشته، یا فعالیتهای



تصویر ۴: میدان شاه یا نقش جهان در اصفهان، نقاشی از هنرمند هلندی  
هوفستد ون اسن (Hofsted van Essen)، ۱۷۰۳، با اجازه کتابخانه دانشگاه لایدن

او در سرجمع تجاری و فرهنگی بوده است. و نیز با توجه به تغییر مرکز کار او در اروپا از هلند به لندن و احراز شغل مدیریت بانک شاهنشاهی ایران که مؤسسه ای انگلیسی بوده، آیا هوتس در برابر دولت انگلیس تعهداتی داشته است. اگر جواب سؤال اخیر مثبت باشد، سؤال بعدی این است که آیا چنین تعهداتی بر دیگر کارهای او چون کارهای تجاری و فرهنگی اش اثر گذارده است. آنچه در پاسخ این پرسشها از مطالعات نه چندان مفصل نگارنده بر می آید این است که هوتس همواره به منافع کشور خود «هلند» وفادار مانده است، و به همین سبب در لندن از اعضای فعال کلوپ هلند بوده و از مؤسسين اطاق بازرگانی هلند در انگلستان محسوب است. ولی دولت هلند به دلایلی که خارج از بحث ماست برای روابط اقتصادی و سیاسی خود با ایران اهمیت زیادی قائل نبوده است، و این هوتس بوده که کوشیده است آنان را قانع سازد که وجود چنین روابطی مفید بلکه ضروری است. بنابراین علاقه به فرهنگ ایران و منافع تجاری بیش از اهداف سیاسی محرک فعالیتهاى او در ایران بوده است. در شرح حال تفصیلی وی آمده است که او برای احراز عنوان «سفیر هلند» در طهران سالها کوشا بوده، ولی وزارت خارجه هلند به این بهانه که او تاجر است و جزو کادر سیاسی (دیپلماتیک) هلند نیست، با تقاضای او موافقت نکرده، بالاخره پست کم اهمیت کنسولیاری بوشهر را برای او کافی دانسته است. از سوی دیگر هوتس با صراحت بی سابقه ای با بعضی روشهای سیاست خارجی انگلستان مخالفت کرده و نظر خود را در نامه ها و مقالات خویش منعکس ساخته است. شاید به همین سبب بعد از خاتمه کارهایش در ایران، با آن که همسرش انگلیسی بوده و خانه بزرگ و راحتی در لندن داشته، به هلند مراجعت کرده است. او بعد از خاتمه خدمتش در بیروت نیز به انگلستان نرفته و در هلند و سپس اقامت گزیده است. با این سابقه می توان قبول کرد که او فکری مستقل داشته و فعالیت فرهنگی و تجاری اش رنگ سیاسی نداشته است.

در زندگینامه هوتس روابط او با افراد و مقامات ایرانی به تفصیل نیامده است، شاید بیشتر به این علت که نویسنده کتاب - خانم انگل برتس - به منافع فارسی دسترسی نداشته و یا قادر به استفاده از این منابع نبوده است. آنچه در منابع خارجی مذکور است این است که هوتس با بسیاری از غربیان سرشناس مقیم ایران آشنایی و دوستی داشته و به ویژه با ژنرال هوتوم شیندلر (General Albert Houtom Schindler) آلمانی نزدیک بوده است.

ایرانیان نیز او را محترم می دانسته اند. میرزا آقا فرصت حسین شیرازی در آثار عجم<sup>۱</sup> که در طهران در سال ۱۸۹۹ انتشار داده است، می نویسد: «... هاتز... بازگشت به ایران نموده و به ریاست بانک شاهنشاهی دارالخلافه همچنین دارالسلطنه اصفهان اقامه داشته، بعد

از آن به فارس مأمور گردیده، نقدا در این بانک صاحب جاه است و به عموم مردم نوعی طریق صداقت و دیانت را پیشنهاد خاطر نموده که مورد خشنودی کل گردیده و هم در این اوان به پاره مقامات دیگر مباهی گشته که پیش از اینها اشاره به آن شد». اگر حاصل کار هوتس تنها همین مجموعه های فرهنگی او بوده باشد که در ایام فراغت و به عنوان سرگرمی و کار ذوقی فراهم آورده است، باید گفت که عمر پرحاصلی داشته و در راه معرفی فرهنگ ایران به غرب گام بزرگی برداشته است.

\* \* \*

- پیوست ۱: چند نمونه از کتابهای مجموعه هوتس در کتابخانه انجمن پادشاهی جغرافیایی لندن
- \* در سرزمین آفتاب، مسافرت و سیاحت در ایران، اثر دیتریش بروگش (Dietrich Brugsch)، چاپ دوم، برلین، ۱۸۸۶، ۳۶۴ صفحه، زبان آلمانی این کتاب بازده فصل دارد و درباره مردم و مذاهب و قوانین و پادشاه و دربار ایران از زمانهای سابق تا تاریخ تنظیم کتاب گفتگومی کند. در کتابهایی که به تازگی راجع به تاریخ شهر تهران نوشته اند، مطالبی از این منبع نقل شده است.
- \* سفر در ایران در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳، اثر سرهنگ گاسپارد دروویل (Col. Gaspard Drouville)، چاپ دوم، پاریس، ۱۸۲۵، ۵۲۳ صفحه، زبان فرانسوی. در این کتاب پرچم ایران با نقش شیر و خورشید و صورت و لباس مردم از طبقات مختلف از سلطان تا بینوایان تصویر شده است.
- \* دوچار و مردم ایران، اثر جان کیتو (John Kitto)، لندن، اواسط قرن هجدهم، دو جلد، جمعاً ۳۸۴ صفحه کوچک، زبان انگلیسی. این کتاب شرح رسوم و آداب، مذهب، جشنهای عمومی، هنرهای ایرانی و نقش دربار و دولت است.
- \* سفر در داخل ایران اثر آدولفور یوا دنیرا (Adolfo Rivadeneyra)، مادرید، ۱۸۸۰، ۳ جلد جمعاً در ۱۲۹۱ صفحه، زبان اسپانیایی.
- \* داستانهای جالب درباره ماجراهای ایران، اثر وینچنزو فرمالونی (Vincenzo Formaleoni)، ونیز، ۱۷۸۳، ۱۱۸ صفحه، زبان ایتالیایی.
- \* نقشه جغرافیایی و تاریخی ایران، اثر بارتولد (V. Bartold)، سن پترزبورگ روسیه، ۱۹۰۳، ۱۷۶ صفحه، زبان روسی.
- \* مأموریت ژنرال گاردان در ایران در سالهای ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۹، اثر پسر ژنرال: الفرد دوگاردان (Alfred de Gardane)، پاریس، ۱۸۶۵، ۳۶۰ صفحه، زبان فرانسوی.
- \* کیهان شناسی زکریا ابن محمد ابن محمود قزوینی، با توضیحات و وستن فلد (Wuestenfeld) و ویراستاری پروفیسور فایشر (Prof. Feischer) و ترجمه آلمانی دکتر هرمان اته (Dr. Hermann Ethe) [عنوان عربی کتاب: عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات]، لایپزیگ، ۱۸۶۸، جلد اول ۵۳۲ صفحه، زبان عربی و آلمانی.
- \* سیری در تاریخ ایران، اثر بطرو بیزارو (Petro Bizaro)، فرانکفورت، ۱۶۰۱، ۶۴۴ صفحه، زبان لاتینی.
- \* ترجمه جدید و صحیح سفرنامه کورنلیوس لوبرون به کشورهای مسکو و ایران و بخشهایی از هند

شرقی... به ویژه تخت جمشید معروف به چهل منار در ایران، به کوشش وارکوس (J. Warcus)، لندن، ۱۷۹۵، ۳۴۳ صفحه، زبان انگلیسی.

\*

پیوست ۲: چند نمونه از کتابهای مجموعه هوتس در بخش شرقی کتابخانه دانشگاه لایدن هلند (به زبانهای انگلیسی و آلمانی)

\* ناله باباطاهر عربان - رباعیات باباطاهر همدانی، متن فارسی به وسیله ادوارد هرون آلن (Edward Heron-Allen) حاشیه نویسی و به انگلیسی ترجمه شده، و خانم الیزابت کرتیس برنتاس (Elizabeth Curtis Brentas) آن را به شعر در آورده است، لندن، ۱۹۰۲، ۸۷ صفحه، زبان انگلیسی.

\* بختیارنامه - داستان ایرانی، اثر ویلیام اوزلی (William Ouseley) به کوشش گلاستون (W. A. Glouston)، لندن، ۱۸۸۳، ۲۳۲ صفحه، انگلیسی.

\* اصول هنر خطاطی فارسی با تصاویری از حروف تعلیق، اثر بالانتین (J. R. Ballantyne)، چاپ دوم، لندن، ۱۸۴۴، زبان انگلیسی.

\* سفر به مسکو، ایران و بخشی از هند شرقی، اثر بروین (Cornelius de Bruyn)، ۲ جلد، لندن، ۱۷۳۷، ۴۷۰ صفحه، ترجمه انگلیسی.

\* نامه های مربوط به روابط با ایران که به مجلس عوام و لردان ارائه شده است، لندن، ۱۸۵۷، ۲۳۹ صفحه، زبان انگلیسی.

\* نامه های مربوط به امتیاز تنباکو در ایران که به مجلس عوام و لردان ارائه شده است، لندن، ۱۸۹۲، ۹۶ صفحه، زبان انگلیسی.

\* اسناد مربوط به اختناق ایران به وسیله انگلستان، برلین، ۱۹۱۷، ۱۸۲ صفحه، زبان آلمانی.

\* تاریخ نادرشاه، اثر فریزر (James Fraser) با تصاویر و نقشه، لندن، ۱۷۴۲، ۴۰ صفحه، زبان انگلیسی.

\* حافظ بلبل شیراز - اشعار حافظ، ترجمه بودن اشتد (Friedrich Bodenstedt)، با تصاویر، برلین، ۱۸۸۰، ۲۱۴ صفحه، زبان آلمانی.

\* فرضیه ای در مورد تخت جمشید، اثر هردر (J. G. Herder)، گوتا - آلمان، ۱۷۸۷، ۷۰ صفحه، زبان آلمانی.

\* بذله گویی ایرانیان، اثر کوکا (M. N. Kuka)، بمبئی، ۱۸۹۴، ۲۵۶ صفحه، زبان انگلیسی.

\* بانکداری در ایران، اثر دولیسی ابراین (H. de Lacy O'Brien)، لندن، ۱۸۷۳، ۸۰ صفحه، زبان انگلیسی.

\* نامه هایی از یک ایرانی در انگلستان به دوست خود در اصفهان، اثر جرج لیتلتون (George Lyttelton)، لندن، ۱۷۳۵، ۲۵۵ صفحه، زبان انگلیسی.

\* سفرنامه سفرایی که دوک هول اشتاین به حضور دوک مسکو، شاه ایران و... فرستاده است، اثر آدام اولناریوس (Adam Olearius)، ترجمه از آلمانی به انگلیسی به وسیله جان دیویس (John Davis)، لندن، ۱۶۶۲، ۲۹۷ صفحه، زبان انگلیسی.

\* رباعیات عمر خیام، اصل فارسی با ترجمه انگلیسی به شعر به وسیله وین فیلد (E. H. Whinfield)، لندن، ۱۸۸۳، ۳۳۵ صفحه، زبان انگلیسی.

## پانویسها و منابع مطالعه:

- ۱- The Royal Geographical Society of London  
Map Room - ۲
- ۳- سالها و سده ها در این مقاله، میلادی ست مگر آن که نوع دیگری تصریح شده باشد.
- ۴- به عربی لیدن، به انگلیسی Leyden، و Leiden
- ۵- A Persian from a Distant Land
- ۶- Bookplate, Ex Libris
- ۷- Hieroglyph خط تصویری رایج در مصر قدیم و بعضی مناطق دیگر.
- ۸- کشورهای هلند، سوئیس، انگلستان، عثمانی (لبنان) و ایران.
- ۹- Vennootschap Perzische Handelsvereniging, J C P HOTZ & Zoon
- ۱۰- اصطلاح لاتینی Eperientia docet
- ۱۱- در دوره قاجاریه «تهران» را با «ط» به صورت «طهران» می نوشتند، و این صورت در تمام کتابها و اسناد و اوراق آن دوره که مورد مطالعه ماست دیده می شود، و بنابراین در این مقاله نیز حفظ شده است.
- ۱۲- International Colonial Exhibition in Amsterdam, 1883
- ۱۳- Dr. J. E. Polak، دکتر بولاک کتابی تحت عنوان ایران، سرزمین و مردمش (Persien, das Land und seine Bewohner) در سال ۱۸۸۵ به زبان آلمانی منتشر کرده است.
- ۱۴- در آن دوران کشت تریاک در ایران مرسوم و معاملات تریاک قانونی بوده است.
- ۱۵- The Imperial Bank of Iran. امتیاز این بانک به انگلستان واگذار شده بود و در اداره آنان بود.
- ۱۶- منطقه ای معروف به دالیکی Daliki.
- ۱۷- Major General Sir Robert Murdoch Smith. این ژنرال کتابی به نام هنر ایران (Persian Art) نوشته است که در آن از جمله به روش لعابکاری ویژه ای که در ایران معمول بوده و بعد فراموش شده، اشاره کرده است.
- ۱۸- A Persian from a Distant Land, Albertus Paulus Hermanus HOTZ, a Memoir by Theresia H. E. Engelberts, first published in Dutch in 1995, Translated into English by the Author, published in The Hague, Netherlands, 2000, 126 pp, ISBN 90-9013928-1. شرح حال هوتس بیشتر از این کتاب گرفته شده است.
- ۱۹- Prof. Edward G. Browne, 1862-1925, Cambridge University
- ۲۰- Prof. Dr. M. J. de Goeje, 1836-1909, University of Leiden
- ۲۱- Ethnological Museum of Rotterdam
- ۲۲- Society of Arts
- ۲۳- The Royal Asiatic Society
- ۲۴- Religions et Philosophies de L'Asie Centrale, Comte de Joseph-Arthur Gobineau, Paris 1865.
- ۲۵- The Mithra's Cult
- ۲۶- William I, the Silent, 1533-1584 (Prince William of Orange)
- ۲۷- Calvinistic Theology
- ۲۸- Legatum Warnerianum
- ۲۹- اطلاعات تاریخی مربوط به کتابخانه دانشگاه لایدن بیشتر از منبع زیر گرفته شده است:  
"Levinus Warner and his Legacy", Three Centuries Legatum Warnerianum in the Leiden University Library, Catalogue of the Commemorative Exhibition held in the Bibliotheca

Thysiana from April 27<sup>th</sup> till May 15<sup>th</sup> 1970, Leiden/ E. J. Brill/1970.

“Isfahan in Camera, 19<sup>th</sup> Century Persia through the photographs of Ernst -۳۰

Hoeltzer,” by Jennifer Searce, Art and Archaeology Research papers (AARP), London, April 1976, 22 pp.

۳۱- گنجینه عکسهای ایران همراه تاریخچه ورود عکاسی عکاسی به ایران، به کوشش ایرج افشار، نشر فرهنگ

ایران، تهران، ۱۹۹۲.

Perzie en Hotz, Beelden uit de Fotocollectie-Hotz in de Leidse

-۳۲

Universiteitsbibliotheek... door Corien Vuurman & Theo Martens, Kleine Publikaties vander Leidse Universiteits-bibliotheek, Nr. 19, Leiden 1995, 111pp.

Albert HOTZ and his photographs of Iran, an Introduction to the Leiden -۳۳

Collection, by Jan Just Witkam, Iran and Iranian Studies, Essays in Honor of Iraj Afshar, edited by Kambiz Eslami, Zagross Publications, Princeton, NJ, USA, 1998, pp. 276-287.

۳۴- Maps and Prints، این بخش کتابخانه را DOUSA می نامند.

Print -۳۵

Meydoen off Beurs -۳۶

D'Brug van Chiras -۳۷

Bronnen tot de Geschiedenis der Oostindische campagne in Perzie, vol I, 850 -۳۸  
pp, (Compiled by H. Dunlop, partly on Data collected by APH HOTZ).

Over Afbeeldingen van Persepolis en Palmyra door Nederlanders, Oud-Holland -۳۹  
29 (1911), pp. 1-34.

Persian Trade Routes, by A. Hotz, *Journal of the Society of Arts*, Issue 47, -۴۰  
March 10, 1899, pp. 341-359.

۴۱- آثار عجم، میرزا آقا فرصت حسین شیرازی، طهران ۱۳۱۶ هـ. ق.، ۱۸۹۹ م، صفحه ۵۳۹.

\*

تشکر از همکاری مؤسسات و اشخاص برای تهیه این مقاله در خلاصه انگلیسی آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی